



نخستین درگیری جنگلی ها به روایت اسناد

پدیدآورده (ها) : کریمیان، علی
کتابداری، آرشیو و نسخه پژوهی :: گنجینه اسناد :: زمستان 1372 - شماره 12
از 59 تا 70
آدرس ثابت : <http://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/97423>

دانلود شده توسط : سارا سلطانی
تاریخ دانلود : 15/07/1395

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [فوائین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



پایگاه مجلات تخصصی نور

www.noormags.ir

نخستین درگیری جنگلی‌ها به روایت اسناد

علی کریمیان

از میان اسناد موجود در خزانه سازمان اسناد ملی ایران، مجموعه اسناد مربوط به نهضت جنگل و اتحاد اسلام را آقای فتح‌الله کشاورز در کتابی تحت عنوان «نهضت جنگل» گردآوری و انتشارات سازمان اسناد به چاپ رسانده است.^۱ لیکن با پژوهش پیگیر کارشناسان، همواره اسنادی جدیدتر از جریانات و وقایع مختلف شناسائی، طبقه‌بندی و قابل استفاده می‌گردد. از آن جمله، سند مربوط به تجسس‌های رییس وقت نظمیه رشت و نخستین درگیری جنگلی‌ها با عبدالرزاق حاکم فومنات که ابتدا برای آشنایی بیشتر، شرحی مختصر از ماجرا با استناد به کتاب «سردار جنگل» نوشته ابراهیم فخرایی^۲ آورده، سپس به خود اسناد پرداخته می‌شود:

زمانی که نیروهای تحت فرماندهی ژنرال باراتف افسر تزاری روس از بندر انزلی تا همدان نیروهای خود را در مقابل آلمانیها و عثمانیها گسترده و جنگ جهانی اول به نهایت شدت خود رسیده بود، آنان هر حرکتی در این نقاط از جمله جنگلی‌ها را خطری بزرگ برای خود می‌دانستند از این رو به حشمت‌الدوله فرماندار گیلان دستور دادند که نیروهای جنگلی را سرکوب کند. وی به دستور افسینکوف ژنرال قونسول روس و تضرع و التماس عده‌ای از مالکین طراز اول رشت، رییس شهربانی وقت رشت کاپیتان محمودخان (متین) را همراه

(باغدانف) نماینده قونسول روس به عنوان ناظر و عده‌ای پلیس سواره به منظور یافتن محل اجتماع جنگلی‌ها و گزارش مشاهداتش راهی مأموریت کرد. آنان از پل «حماسرا» بازرسی را آغاز و در مسیر مأموریت خود روستاهای «عینک»^۳ - صفحه سر - احمد گوراب - آتشکا - پسیخان^۴ - نشامندان - کلاشم^۵ و جمعه بازار^۶ را که در یک خط طولی واقعند پیمودند و راههای اصلی و فرعی را زیر نظر گرفتند لیکن با وجود بازرسیهای دقیق موفق به کشف کانون اجتماع جنگلی‌ها نشدند، در نتیجه مأمورین اعزامی فرماندار بدون نتیجه به رشت برگشتند و فقط یک عده پلیس سواره را همراه مأمورین تأمینات (آگاهی) در قریه پسیخان به مراقبت ایاب و ذهاب عابرین گماشته تا به هر کس مظنون شدند دستگیر و بازداشت نمایند.

اما ژنرال قونسول روس^۷ که نیروهای جنگلی را کانون خطرناکی به زیان ارتش امپراطوری تزار می‌دانست با گماشتن پلیس‌های مسلح در پسیخان خاطرش آرام نگرفت و توصیه نمود که عبدالرزاق خان شفتی (یکی از خوانین سرشناس شفت) را که مردی متنفذ و با قدرت بود به حکومت فومنات منصوب نمایند.

عبدالرزاق به نیابت حکومت فومنات اعزام شد و اعتبار کافی برای عملیاتی که از او انتظار می‌رفت در اختیارش قرار گرفت. نامبرده پس از



وزارت دفاع و تامین تسلیحات

طهران
امروز
شماره ۱۳۳۲
صادره

دو روز قبل یکی دو نفر آدم مظنون را
مأمورین حکومت جلیله از پسیخان گرفته به
شهر آورده بودند و به نظمیه داد که توقیف و
استنطاق شوند پس از چندین روز استنطاق
بلاخره یک نفر از آنها دیروز اقراراتی کرد که از
اقرارات او معلوم شد بصیرالرعایا تولمی و
پسرش همدست با عده جنگلی هستند و
مخصوصاً چند روز قبل خود بصیرالرعایا از
رشت برای حضرات پول برده است نوکر
بصیرالرعایا نیز جلب به نظمیه شده به همین
ترتیب اقرار کرده خود بصیرالرعایا فعلاً در
توقیف حکومت است پسرش را هم مأمور از

کتابخانه
شماره ۲
تاریخ
مهر ۱۹۱۵

۱۲۹۴ ه. ش

جلوس بر مسند قدرت به منظور نشان دادن
لیاقت و کاردانی خویش عده‌ای از زارعین و
رعایای خود را مسلح نموده آهنگ پسیخان
نمود تا به محلی موسوم به «داوسار» که به
فاصله کمی از پسیخان واقع است رسید.

جنگلی‌ها با آنکه تعدادشان بیش از هفده نفر
نبود لیکن همه نقاط فومنات و اطراف رشت زیر
نفوذشان بود و به مجرد کوچکترین خطری از
طریق رعایا آگاه می‌شدند. و از همین رو بود که
عبدالرزاق پیش از آنکه به قول خود علفهای هرز
را با داس قدرت خود درو کند جنگلی‌ها به
سروقتش رسیدند و در جنگ، اسماعیل نام یکی
از همراهان که به شجاعت شهرت داشت با
یحیی خان طارمی «دهدار تکریم» و عموی
عبدالرزاق کشته و غلامحسین نام نیز با چند نفر
دیگر اسیر گردیدند و عبدالرزاق با بقیه
همراهانش گریخت. خبر شکست عبدالرزاق به
سرعت در همه نقاط گیلان پیچید و اعتبار
جنگلی‌ها را بالاتر برد.

وزارت داخله، اداره تشکیلات نظمیه ایران،
نمره ۳۲۳۳، مورخه ۱۹ برج میزان
توشقان نیل ۱۹۱۵ / ۱۰ / ۱۲ (۱۹ مهر

طرف حکومت رفته که گرفته بیاورد خود
بصیرالرعایا را چند روز قبل از طرف
قونسولگری گرفته برده شرحی استنطاق کرده
بودند چیزی بروز نداده بود این استنطاقات
نظمیه که سوادش جوقاً به نظر مبارک می‌رسد
خیلی مستحسن و جالب نظر حکومت جلیله و
قونسولگری شده مخصوصاً محمودخان مفتش
تأمینات در این باب زحمت کشیده تا مسئله را
کشف کرده هنوز خود بصیرالرعایا در نظمیه
استنطاق نشده وقتی که استنطاق شد اقرارات او
را هم به حضرت عالی اطلاع خواهم داد.

۲ - از قرار اظهار تائب سوار برای زمستان
جل و نمذ جهت اسبها لازم است و تهیه آنها در
رشت ممکن نیست مقتضی است سی و چهل
تخته جل و نمذ در طهران و یا در قزوین تهیه
فرمائید که زودتر برسد و در موقع سردی هوا
اسبها راحت باشند.

۳ - رستم نام که چندی قبل در باغ بزاتوس
شبانه صادق نام را تیر زده و جلب به نظمیه و
توقیف شد اکنون که صادق تیر خورده معالجه
شده و حالتش خوب شده رضایت‌نامه به کسان
رستم ضارب داده به اداره مدعی‌العمومی نیز
رضایت خودش را اظهار کرده و اقرارات اولیه

خودش را که در نظمیۀ اظهار کرده تکذیب کرده می‌گوید رستم عمداً مرا نزد بلکه از روی سهر و خطا زده است امروز کاغذی از مدعی العموم به اداره رسیده می‌نویسد چون رستم سهواً صادق را زده است و برای انجام خودش این شهوداً کرده است بنابراین مدتی را که در توقیف مانده کافی است خوب است او را مرخص نمائید برای اطلاع خاطر مبارک عرض شد که هر طور امر فرماید اطاعت شود.

[امضاء عبدالله خان سیف]

اداره نظمیۀ رشت، سواد راپورت دایره تأمینات، بتاریخ ۱۸ شهر میزان ۱۳۳۳ ق (۱۲۹۴ ش)

مقام منبع محترم ریاست کل تشکیلات نظمیۀ ایالتی گیلان دام اقباله - محترماً خاطر مبارک را مستحضر می‌سازد در موضوع تحقیقات بصیرالرعایا و نوکرهایش که از طرف حکومت فرستاده شده بود امر فرموده بودید رسیدگی شود تحقیقات لازمه به عمل آمد نوکر بصیرالرعایا حسین را تحت استنطاق آورده پس از سیزده ورقه استنطاق انکاری اقرار نمود که در پانزده بوم قبل بصیرالرعایا شبانه آمد به طرف هندوخاله یک شب در آنجا ماند صبح زود سوار اسب شده با یک خورجین پر پول همراه خود برداشته حرکت نموده شب مجدداً مراجعت کرده در منزل خودش به اخویش آقا حسین اظهار نموده که مقداری پول جهت میرزا کوچک خان امروز من بردم به او دادم چون قونسول از من سه روزه الزام گرفته که به شهر مراجعت نمایم از این جهت دیگر وقت نداشته به شهر می‌روم هر چه راپورت که از میرزا کوچک خان به شما میرسد محرمانه جهت من بفرستید حرکت به شهر می‌نماید نیز حسین اظهار نمود که در چهار شب قبل چند نفر در منزل آقا طاهر پسر بصیرالرعایا

انجمن مخفی داشتند و خود من هم حضور داشتم که صورت می‌نوشتم که از اشخاص پول بگیرند پس از آن علی نوکر دیگر بصیرالرعایا را تحت استنطاق آورده نیز عین مطلب حسین را اظهار نموده که بصیرالرعایا پول جهت میرزا کوچک خودش حمل نمود چون خود بصیرالرعایا قبلاً در حکومتی دستگیر شده حسین و علی را که از هندوخاله دستگیر می‌کنند می‌آورند اظهار داشتند به محض ورود به شهر در حکومتی در اطاق شما بصیرالرعایا ارباب خودمان را ملاقات کردیم به ما سفارش نمود که اگر در نظمیۀ از شما استنطاق نمودند به هیچ وجه مطلبی بروز ندهید حسین در جواب می‌گوید نمی‌شود به کلی منکر شد بصیرالرعایا می‌گوید همان قسم که مراد در پانزده روز قبل مرا دستگیر کردند بردند قونسولخانه هر چه از من سوال کردند به هیچ وجه مطلبی بروز ندادم شما هم بروز ندهید حال تا این اندازه از نوکرهای بصیرالرعایا استنطاق شده است و حقیقت مطلب را بیان نمودند تا فردا که خود بصیرالرعایا هم استنطاق شود و این کشف مطلب بسیار جلب توجه قونسولگری شده است که در چندمین جلسات بصیرالرعایا استنطاق نمودند چیزی معلوم نگردید عجب در این است که در همان موقع که سه روزه از قونسولخانه مرخصی گرفته بوده می‌رود همان روز پول جهت میرزا کوچک می‌برد و صورت اشخاص را که حسین و علی قلمداد نمودند که هیئت رئیسه میباشند و انجمن در منزل آقا طاهر پسر بصیرالرعایا داشتند آن صورت را هم حسب الامر به ایالت فرستاده شد تا فردا جلب شوند تا در این اداره استنطاق که شده محض استحضاری خاطر مبارک عرض شد سواد مطابق اصل است.

محل مهر و امضاء

وزارت داخله، اداره تشکیلات نظمیۀ ایران، نمره ۳۲۵۲، (مورخه) ۲۰ برج میزان توشقان نیل ۱۳۳۳ ق (مهر ۱۲۹۴ ش)

حضور مبارک آقای رییس و تشکیل کننده نظمیۀ رشت و انزلی - تا این ساعت که دو بعد از ظهر ۱۳ اکتبر است داخله شهر رشت و انزلی در کمال نظم است و با کمال جدیت مشغول کار هستیم در این موقع اطلاعات ذیل را به حضرت عالی می‌دهم دو ساعت قبل هم تلگراف انگلیسی مخابره کرده‌ام:

امروز قبل از ظهر راپورت رسید عبدالرزاق خان مأمور حکومت با چند نفر سوار شفتی که همراه داشت در پشت پسیخان با جنگلی‌ها مصادف شده عده جنگلی‌ها به طرف آنها شلیک کرده‌اند سه نفر از همراهان عبدالرزاق خان تیر خورده و کشته شده گویا بقیه هم فرار کرده‌اند بعد از رسیدن این خبر حکومت جلیله کاپیتن [محمودخان] ژاندارم را خواسته امر کرد که باید با تمام عده ژاندارم بروی به کمک عبدالرزاق خان و جنگ با عده جنگلی و هرگاه برای این کار حاضر نیستی باید با عده خودت برگردی به قزوین - زیرا که جنرال قونسول می‌گوید اگر ژاندارمها برای دفع جنگلی‌ها نروند من آنها را خلع اسلحه می‌کنم کاپیتن ژاندارم مهلت خواسته که امروز بعد از ظهر به وسیله تلگراف حضوری در اینباب از ماژور چلستر کمسب تکلیف نماید. حالا که مشغول عرض این راپورت هستم آژان آمده راپورت داد که نعش دو نفر از همراهان عبدالرزاق خان را به شهر آوردند. در داخل شهر امنیت برقرار است و خبری نیست جز اینکه مردم عصبانی مزاج شده‌اند.

سه نفر از مقصرین پلتيکی را که قونسولگری مستقیماً جلب کرده بود امروز تسلیم نظمیۀ نمود. میرزا محمود گارنیه هم از چند روز قبل بر حسب تقاضای قونسولگری در نظمیۀ توقیف

است دو سه نفر دیگر هم که عبدالرزاق خان گرفته فرستاده بود، حکومت به نظمیہ فرستاد دیروز به حکومت گفتم در نظمیہ برای توقیف اینگونه مقصرین جا نداریم گفتگو با آقای رییس تشکیلات تلگراف کنید با وزارت جلیله داخله مذاکره کرده اجازه بگیرند در جنب اداره نظمیہ برای توقیف مقصرین پلتیکی اجازه نموده حضرات را آنچه تاکنون دستگیر شده و آنچه بعد از این دستگیر می شوند در آنجا توقیف این بود بنده هم عصر به حضرت عالی تلگراف کردم که هر طور امر می فرمایید اطاعت نمایم. چند فقره مطلب در راپورتهای سابق عرض کرده و تکلیف خواسته ام مستدعیم با آقای عبدالله خان دبیر بفرمائید جواب آن مطلب را به بنده بنویسند که مطلع شده از آن قرار رفتار نمایم.

[امضاء عبدالله خان سیف کفیل اداره تشکیلات نظمیہ رشت و انزلی]

وزارت داخله، اداره تشکیلات نظمیہ ایران، نمره ۳۷۳۵، مورخ ۲۹ برج عقرب توشقان نیل ۱۳۳۴ ق (۱۲۹۵ ش)

مقام منبع وزارت جلیله داخله دامت شوکتہ - با کمال احترام خاطر مبارک را مستحضر میدارد که بعد از مسافرت بنده به طهران ایالت جلیله گیلان عبدالرزاق خان حاکم شفت را با عده تفنگچی که چهار و پنج نفر آنها دارای تفنگ پنج تیر و بقیه تفنگهای سرپر داشته اند مأمور دستگیر کردن عده مجتمع در جنگل می نمایند. مشارالیه نیز رفته در یک فرسخی شهر چند روزی توقف می نماید و بالاخره به واسطه دستگیر کردن او چند نفر قاصد جنگلی ها را چند نفر از جنگلی ها بطور مسلح در همان یک فرسخی شهر به عبدالرزاق خان حمله کرده سه نفر از همراهان او را می کشند و خود عبدالرزاق خان فرار کرده در دهات اطراف پنهان میشود تا

پس از ده و پانزده روز به زحمت خودش را به شهر میرساند ایالت جلیله گیلان چند نفر قاصدین جنگلی ها را که عبدالرزاق گرفته به شهر فرستاده بود با عده دیگری از اهل شهر که متهم به همدستی یا جنگلی ها بودند امر به توقیف در محبس نظمیہ می نمایند چون در محبس نظمیہ برای مقصرین پلتیکی جا نبود و بعلاوه اداره تشکیلات نظمیہ هیچوقت مداخله به امور پلتیکی نداشته و ندارد لذا آقا میرزا عبدالله خان سیف که در غیاب بنده کفیل اداره تشکیل نظمیہ رشت و انزلی بودند مسئله را به طهران به بنده راپورت دادند و تکلیف خواستند بنده در جواب به ایشان تلگراف کردم که مقصرین را از ایالت جلیله قبول کرده و خانه در خارج برای حفاظت آنها تهیه کرده و آنها را نگاهداری نماید بعد از رسیدن جواب بنده آقا میرزا عبدالله خان سیف هم بر حسب وظیفه اداری خودش اطاعت نموده چند نفر مقصرین را که ایالت جلیله دستگیر فرموده بودند پذیرفته در جای معین نگاهداری می نماید بعد از طرف ایالت جلیله به ایشان گفته میشود که سه نفر از مقصرین مستقیماً از طرف قونسولگری جلب و در قونسولخانه توقیف هستند و قرار شده آنها را هم به نظمیہ تحویل نمایند. چند نفر آژان بفرستید آنها را بیاورند آقا میرزا عبدالله خان فوراً می فرستد آن سه نفر را از قونسولگری تحویل گرفته به نظمیہ می آورند و جزو سایرین نگاهداری می کند و برای آنکه مدارک توقیف آنها معلوم شود (چنانچه خود آنها هم مصر بوده اند در استنطاق خودشان) به وسیله محمودخان مفتش با تأمینات استنطاقی از آنها بعمل آورده برای ایالت می فرستند و ایالت جلیله تأکید در حفظ چند نفر از آنها کرده و چهار و پنج نفر از آنها مرخص می کند نظر به اینکه در استنطاقات مطنونیتی برای آنها معلوم نبوده و فعلاً هم عده از همان مقصرین به امر

ایالت جلیله در تحت حفاظت نظمیہ هستند بدون اینکه اداره تشکیلات نظمیہ مستقیماً دخالتی در جلب یا توقیف آنها داشته باشد زیرا که اداره تشکیلات نظمیہ رشت و انزلی فعلاً به امورات انتظاماتی از قبیل جنحه و جنایت و سرقت و مراقبت دارد دخیل امورات پلتیکی به هیچ وجه نمی شود و برای رسیدگی اینگونه کارها هنوز شعبه در نظمیہ دائر نشده مگر اینگونه بعد از استحکام اساس اداره تشکیلات بعدها اگر لازم شود شعبه نیز برای رسیدگی امور پلتیکی شود والا تاکنون ابداً دخالتی مستقیم در اینباب نشده است احترامات فائقه را به این وسیله تجدید می نماید.

دولت علیه ایران، وزارت داخله، از تهران به دشت، نمره ثبت ۱۵۳۹۵/۳۹۲۵، به تاریخ ۲۸ محرم ۱۳۳۴ / ۳ آذر ۱۲۹۵ هـ. ش.

حکومت جلیله گیلان - از قرار راپورتی که از نظمیہ رشت و انزلی رسید چند نفر را به اتهام همراهی با مقصرین جنگلی دستگیر و در نظمیہ آنجا توقیف کرده اید تفصیل چیست و تقصیر این اشخاص چه بوده توضیحاً اعلام دارید.

[مطالبی که روی آن خط کشیده شد]: چند نفر مقصر جنگلی را که عبدالرزاق خان مأمور دستگیری آنها بوده امر به توقیف در نظمیہ گردید.

وزارت داخله، اداره پرسنل، نمره ۵۲۸۱، بتاریخ ۲۵ آبان ۱۳۰۵ هـ. ش.

کابینه محترم ریاست وزرا عظام - از وزارت جلیله عدلیه تاریخ تحقیقی انقلاب گیلان را برای تعیین انتهای خدمت مستخدمین خود خواسته اند با مراجعه به سوابق تاریخ قطعی بدست نیامده ولی عباراتی^۹ هست که از آن

کابینه محترمه تلگرافات رمزی در آن تاریخ صادر گردیده متمنی است قدغن فرمائید با مراجعه به سوابق تاریخ تحقیقی را تعیین و اشعار دارند که به وزارت جلیله عدلیه ارسال شود.

امضا از طرف رئیس پرسنل احمد مهر وزارت داخله

[حاشیه]:

آقای میرزا غلامحسین خان و آقای میرزا سید رضا خان معلوم نمایند. خاتمه انقلابات گیلان تدریجی بوده و بعلاوه چندین دفعه امور گیلان تصفیه شد که تا بالاخره در زمان وزارت اعلیحضرت پهلوی سر میرزا کوچک خان را به طهران آوردند که سابقه اش در این وزارتخانه است.

آقای مستوفی جواب تهیه نمائید

ریاست وزرا، نمره عمومی ۹۴۸۸، تاریخ ثبت ۵ آذر ۱۳۰۵.

وزارت جلیله داخله - در جواب مراسله نمره ۵۳۸۱ اشعار می شود که در آرشینو کابینه ریاست وزرا تاریخ تحقیقی انقلاب گیلان بدست نمی آید. زیرا انقلاب آنجا تدریجی و چندین مرتبه نسبت به تصفیه امور گیلان اقدام شده است.

امضا [عنایت الله سمیعی]

* پانویس ها:

۱- کشاورز، فتح الله، نهضت جنگل و اتحاد اسلام (استاد محرمانه و گزارشها)، تهران ۱۳۷۱، انتشارات سازمان اسناد ملی ایران.

۲- فخرایی، ابراهیم، سردار جنگل، تهران ۱۳۴۳،

انتشارات جاویدان.

۳- ابوالفتح خان والایار متولد ۱۲۵۳ ش دارای القاب (منشی باشی - ثقه الدوله - وکیل الملک - حشمت الدوله) فرزند میرزا فضل الله خان وکیل الملک وزیر خلوت برادر میرزا محمد رفیع نظام العلمای تبریزی بوده، ابتدا چون پدرش از سال ۱۳۰۰ ق/ ۱۲۶۲ ش منشی باشی (رئیس الانشا و رئیس دفتر) مظفرالدین میرزای ولیمهد شده بود و در سال ۱۳۰۲ ق/ ۱۲۶۴ ش به لقب دبیرالسلطنه ملقب گردید. میرزا ابوالفتح خان هم از سال ۱۳۰۳ ق/ ۱۲۶۵ ش جزو منشیان ولیمهد وارد خدمت شد. سپس بعنوان مستوفی در نزد محمد علی میرزا (محمد علی شاه) مشغول به کار شد. در سال ۱۳۰۸ ق/ ۱۲۷۰ ش که پدرش ملقب به وکیل الملک شد وی در تبریز در دستگاه ولیمهد همه کاره بود. میرزا نصرالله خان برادرزاده اش ملقب به دبیرالسلطنه شده و جایگاه وی را در دستگاه ولیمهد اشغال کرد؛ میرزا ابوالفتح خان هم منشی باشی ولیمهد گردید. در سال ۱۳۱۱ ق/ ۱۲۷۳ ش لقب ثقه الدوله را به وی تفویض کردند در ایام ولیمهدی محمد علی میرزا و اقامتش در آذربایجان منشی باشی و خازن مهر وی بود. و بعد وکیل الملک پدرش که در اواخر سلطنت مظفرالدین شاه ملقب به وزیر خلوت شده بود به لقب پدر یعنی وکیل الملک ملقب و در سلطنت محمد علی شاه ملقب به حشمت الدوله گردید و ضمن داشتن القابی که برشمریم مناصب امیر تومانی و سرداری نیز داشته است. در سال ۱۳۲۴ هـ ق/ ۱۲۸۵ ش که محمد علی شاه به سلطنت رسید حشمت الدوله از جمله درباریان او بود. وی در کابینه حسن وثوق (وثوق الدوله) از ۷ شهریور ۱۲۹۵ تا ۱۵ خرداد ۱۲۹۶ هـ ش و در کابینه دوم وثوق از ۱۶ مرداد ۱۲۹۷ تا ۱۲ تیر ۱۲۹۹ سمت وزارت جنگ را داشت و در کابینه حسن مشیرالدوله از ۱۲ تیر تا ۱۳ آبان ۱۲۹۹ وزیر داخله بود و بعد در دوره سلطنت رضا شاه دو سال حاکم کرمان بوده است و در سال ۱۳۳۷ ش در سن ۸۴ سالگی در تهران درگذشت. بامداد مهدی، شرح حال رجال ایران در قرن ۱۲، ۱۳ و

۱۴ هجری، ج ۱ تهران ۱۳۵۷، انتشارات زوار. ص ۵۳

- ۵۴

۴- عینک Eynak ده جزء دهستان بخش مرکزی شهرستان رشت، سر راه رشت به فومن قرار دارد.

رزم آرا، حسینعلی [سرتیپ]، فرهنگ جغرافیایی ایران - استان یکم، ج ۲، تهران ۱۳۲۸ ش، چاپخانه ارتش، ص ۱۹۵.

۵- پسیخان در مغرب رشت روی ساحل راست رودخانه پسیخان واقع شده و خانه های این منطقه در جنگل پراکنده می باشند.

رابینو، ه. ل، ولایات دارالمرز در ایران، گیلان، ترجمه جعفر خماسی زاده، ج ۳، رشت ۱۳۶۶، انتشارات طاعتی، ص ۲۷۰

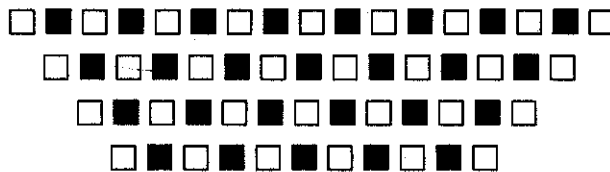
۶- کلاشم از دهکده های ناحیه لیشاوندان و کامازدخ از ناحیه لولمان جزء شهرستان فومن است. رابینو، همان، صص ۲۰۶ و ۲۰۸

۷- افسینکوف ژنرال قونسول روس در گیلان.

۸- ماژور چلستر H.G. Kallsrom از افسران سوئدی تحت فرماندهی یالمارسن در تاریخ ۸ اردیبهشت ۱۲۹۳ هـ ش/ ۲۸ آوریل ۱۹۱۴ م به استخدام ژاندارمری ایران درآمد. در ۲۵ آذر ۱۲۹۵ هـ ش بر اثر سوء تفاهاتی میان ژاندارمها و قزاق قزوین، اختلافاتی به وجود آمد که سبب گردید کار به زد و خورد شدید کشیده شود و دولت برای پایان بخشیدن به تحریکات و گفتگوهایی که احتمالاً بدنبال این واقع پدید می آمد، در نظر گرفت ماژور چلستر فرمانده ژاندارمری قزوین را معزول و ژاندارمها را به تهران احضار نماید اما به تصور اینکه «شاید اخراج ماژور در آن روز موجب تزیید اقدام خود سرانه او گردد» از عزل او منصرف و فقط او و افرادش را موقتاً به تهران احضار کرد.

قائم مقامی، جهانگیر [سرهنگ]، تاریخ ژاندارمری ایران از قدیمترین ایام تا عصر حاضر، تهران ۱۳۵۵، انتشارات اداره روابط عمومی ژاندارمری کشور، صص ۲۱۷، ۲۷۴.

۹- اصل: ابارتی





MINISTÈRE DE L'INTÉRIEUR
Bureau de l'Organisation de la Police
DE PERSIE
وزارت داخله
اداره تشکیلات نظمیه ایران

Recht, le 12/10/1915

شماره ۱۲۴۴
۱۳۴۴

№ ۱۲۴۴
annexes:

ضمیمه بزرگ قریب پنجاه گزیده از کتابت وزارت داخله

در وقت بقر دادست ...
که وقت ...
نسخ ...
- ...
من از ...
تکلی ...
زک ...
تا ...
و ...
نظر ...
بند ...
- ...
تجدید ...

۱- ...
رضایت ...
گرفت ...
معلق ...
نایب ...

Handwritten signature and stamp

Handwritten signature

۱۸۱۷۱



اداره نظیه رشت

سواد سلامت وزیر بهداشت

تاریخ ۱۸ شهریور ۱۳۳۳

نمره

مقام منج محترم ریاست انستیتوت فیزیولوژی و کیمیا

خواهر مبارک سلام عرض می‌کند در ضمن تحقیقات بصیر در باره دوگانه‌ها در رزق و غلات
 فرستاده شده بود از منجه بودید پس که تحقیقات مدته بهر راه و کیمیا در باره تحقیقات
 آورده پس از آنکه در وقت استقار و کفاری از منجه خود در بازده بهم آن بصیر در باره
 که بطرف منصفانه می‌گفت در باره آنچه بود از آنکه در باره یک خود چنین بود که
 خود بود که حرکت خود می‌دهد و حرکت که در رزق خود در رزق که چنین از آنکه
 در اعتدالی بود جهت از آنکه یک فن از آنکه بود با دو دلیلی چون در رزق که
 از آنکه در رزق که جهت تمام در حرکت که در وقت در آنکه بهر راه و کیمیا
 در رزق که یک نام در رزق که جهت از آنکه در حرکت که در رزق که بهر راه و کیمیا
 در چهار باب که در رزق که کما بود بصیر در باره آنچه شخصی در آنکه در رزق که
 دو قسم در صورتی از آنکه در رزق که در آنکه در رزق که در آنکه در رزق که
 در حرکت استقار آورده نیز عیناً طلب حقیق را در رزق که بصیر در باره آنچه
 جهت از آنکه که خون هر نوعی چون خود بصیر در باره آنچه در رزق که در رزق که
 در رزق که از منصفانه و دیگر می‌کنند که در رزق که در رزق که در رزق که



اداره نظمیہ رشت

سواد تعلیم و تربیت

تاریخ ۱۹ - مهر ۱۳۳۲

نوم

در کلاس درس با بصیرت و در باب خود نکات گوییم ، بصیرت خود را در
نظم از طریق وقت به ده بیست و پنج روز در هر روز یک ساعت از وقت خود را
بصیرت بگیرد ، آن قسم در روز در نوزده روز هر روز یک ساعت از وقت خود را
بر چه روزی مستدل کند ، پنج و ده طبع روز نهدم نام روزی به هر چه روزی
از وقت خود بصیرت از طریق خود است ، بصیرت طلب را بصیرت طلب
و خود بصیرت از طریق خود را بصیرت طلب است ، طلب طلب در وقت خود
است ، در چندین حالت بصیرت از طریق خود است ، بصیرت طلب در وقت خود
نیم است ، در این موقع هر سه روز در وقت خود را بصیرت طلب کند ، در
این روز در وقت خود را بصیرت طلب کند ، در وقت خود را بصیرت طلب کند ، در
وقت خود را بصیرت طلب کند ، در وقت خود را بصیرت طلب کند ، در وقت خود را
بصیرت طلب کند ، در وقت خود را بصیرت طلب کند ، در وقت خود را بصیرت طلب کند



تاریخ نرسن تهنی ۱۳۴۴

۲۲۵۲

MINISTÈRE DE L'INTÉRIEUR
eau de l'Organisation de la Police
DE PERSIE.

وزارت داخله
اداره تشکیلات نظمیه ایران

N^o

annexe:

ضد شرکت قهری و غیرقانونی در شرکت دولتی

تاریخ است که در روز ۱۳ اردیبهشت ۱۳۴۴ در محل شرکت و باحال بدت منزل کار بهیم در ایام تعطیلات و غیره
بصرفه میدیم شرکت قهری و غیرقانونی در شرکت دولتی

امروز در روز ۱۳ اردیبهشت ۱۳۴۴ در محل شرکت با حضور آقایان که همراه داشت در وقت نهار با حضور
حضور با طرف آنها شرکت کرده است نفر از بهرامی عبدالرزاقان سرخنده و گفته شد که گفته شد که در روز ۱۳
باشن را نامهم را خواسته ام که هر ما با هم عده را نامهم و در وقت نهار در محل شرکت با حضور آقایان که همراه
باید با عده خودت برگردی فزون - زیرا که منزل و غیره ملک را که در روز ۱۳ اردیبهشت ۱۳۴۴ در وقت نهار
لاستین را نامهم وقت خواسته که امروز در روز ۱۳ اردیبهشت ۱۳۴۴ در وقت نهار در محل شرکت با حضور آقایان که همراه
عادلته قبول عرض این را در وقت بهم در آن نامه در وقت با که نفس نفر از بهرامی عبدالرزاقان را شهر آوردند.

در وقت نهار است و در وقت نهار و غیره است و در وقت نهار و غیره است و در وقت نهار و غیره است
شهر نفر از نقرین علیک را که در وقت نهار است و در وقت نهار است و در وقت نهار است و در وقت نهار است
در وقت نهار است و در وقت نهار است و در وقت نهار است و در وقت نهار است و در وقت نهار است
لاستین نقرین حامد ام کند باقی در وقت نهار است و در وقت نهار است و در وقت نهار است و در وقت نهار است
نظم خانه برابر وقت نقرین علیک را که در وقت نهار است و در وقت نهار است و در وقت نهار است و در وقت نهار است
این نویسم در روز عصر که در وقت نهار است و در وقت نهار است و در وقت نهار است و در وقت نهار است
خواسته ام بدین معنی عبدالخان در وقت نهار است و در وقت نهار است و در وقت نهار است و در وقت نهار است

امداد از بهرامی

نقرین

۲ نمونه [۵]

بتاریخ ۲۵ رجب ماه سنه ۱۳۰۵

نمبر ۵۳۸۱۰ ضمیمه



وزارت داخله

اداره پرورش

دایره

کابینه محترم ریاست دوزخ اعظم
 از دولت جدید عدلیه تاریخ تصویب انقلاب گیلان را برای تبیین انهای
 خدمات نهمین خود خواست دوزخ با راجه بر این تاریخ نظر بر است نامه
 و در اقامت و لذت کابینه محترم خدمات روزی در آن تاریخ صادر گردید
 منزهت و غیره باشد با راجه بر این تاریخ تصویب را تبیین و انوار دوزخ
 که در آن تاریخ عدلیه در آن تاریخ



مرکز تحقیقات کتب و اسناد

۸/۳۰

۹۴۸۸
 وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه
 ریاست
 ۱۳۰۵/۹/۱

مرکز اسناد و کتابخانه ملی

فائده انصاف است که در این
 در عهد و چنین وجهه
 تصویب هر بنا به قانون
 اعظم بر مبنای
 بطور انوار دوزخ

سوم باشد

۱۳۰۵/۹/۱

ل - ۱۶۵